

نکردی. چه شد که سال گذشته و برای انتخابی المپیک پیشنهادش را قبول کردی؟

یادم می آید تعطیلات نیم فصل بود و من هم به خاطر مشکلات با تیمم مدت زیادی تمرین نکرده بودم. شاید بیش از دو هفته بود که تمرین نداشتم که یک روز از فدراسیون تماس گرفتند و از طرف سرمربی تیم ملی خواستار این شدند که به اردو بروم و در مسابقات انتخابی المپیک شرکت کنم. در آن زمان امیر غفور مصدوم شده بود و به همین خاطر نیاز دیده بودند که من برگردم.

بعد از سه سال دوری، آن هم در شرایطی که هنوز مصدومیت وجود داشت، آماده نبودی و قطعاً انتظارها هم از تو بالا بود. تصمیم سختی نبود؟

سخت تر از چیزی که تصورش را بکنید. اینطور به نظر می رسید که بیشتر نیاز بود تا در کنار تیم باشم اما به هر ترتیب وقتی عضو تیم ملی در چنین مسابقاتی می شوید که یک سرش سهمیه المپیک و یک سرش یک شکست بزرگ است، ریسک بزرگی را متحمل می شوید. واقعاً هم ریسک بزرگی بود اما بالاخره به خاطر نیازی که وجود داشت قبول کردم و با همه فشارهایی که از لحاظ بدنی و روحی وجود داشت توانستیم برای دومین بار سهمیه المپیک را بگیریم.

این سؤال را قرار بود آخر مصاحبه ببرسم اما حالا که حرفش شد بهتر است همین حالا مطرح شود. فکر می کنی در دومین المپیک والیبال ایران هم باشی؟ خیلی افتخار بزرگی است اما همانطور که گفتم فعلاً اصلاً به چنین چیزهایی فکر نمی کنم. هر وقت سلامتی ام را به طور کامل برگرداندم درباره این موضوعات هم فکر می کنم.

پس قطعاً برای لیگ امسال هم برنامه ای نداری!

اصلاً. خیلی از تیم ها هم پیشنهاد دادند و با وجود اینکه مشخص نبود چه زمانی بتوانم بازی کنم خواهان انعقاد قرارداد بودند اما به همان دلیلی که گفتم هیچ کدام را نپذیرفتم.

برسیم به موضوع اصلی و روز والیبال ایران که انتخاب سرمربی است. نظرت درباره دو گزینه نهایی فدراسیون چیست؟

هر دوی این مربیان رزومه خوبی دارند و جزو نفرات خوب دنیا هستند. به نظر من بهتر است هرچه زودتر این انتخاب انجام شود تا این مربیان مشغول کار شوند و لیگ برتر را هم به صورت فیزیکی تحت نظر داشته باشند. اگرچه می شود با فیلم بازی ها هم آنها را به شرایط بازیکنان مختلف آگاه کرد اما دیدن بازی ها آن هم از نزدیک قطعاً لطف دیگری دارد و بهتر می تواند در تصمیم گیری ها به مربیان کمک کند. تیم ملی در سال آینده تقویم شلوغی در پیش دارد و بهتر است هرچه زودتر درباره سرمربی تعیین تکلیف شود.

در این روزها برخی کارشناسان معتقدند که آلکنو با وجود رزومه فوق العاده ای که دارد، گزینه مناسبی برای والیبال ایران نیست و سبک کار متفاوتی دارد. نظرت به عنوان یک بازیکن حرفه ای چیست؟

خیلی این مسائل را قبول ندارم. به نظر من هر مربی که بیاید تفکر و شیوه کاری خود را در تیم ایجاد می کند و سبک و سیاق کارش آنقدرها اهمیت ندارد. آلکنو هم مربی بسیار بزرگی است که رزومه پر باری دارد و اگر به ایران بیاید قطعاً می تواند به شرایط تیم ملی و حضور هر چه موفق تر در المپیک کمک کند.

یکی از فوتبالی ترین والیبالیست ها هستی و صد البته یک پرسپولیسی دو آتشه. بعد از صعود به فینال آسیا هم ویدئوی جالبی از خودت منتشر کردی و مشخص بود که خیلی خوشحال بودی از این اتفاق ...

این را دیگر همه می دانند. من واقعاً پرسپولیس را دوست دارم. صعود به فینال آسیا هم واقعاً چسبید. واقعاً فکرش را نمی کردم، تیمی که این تعداد بازیکن جدید دارد بتواند با این سرعت هماهنگ شود و اینقدر خوب بازی کند. بازیکنان جایگزین خیلی خوب و فوق العاده با تیم هماهنگ شده بودند و به همین خاطر بردها و فینالیست شدن تیم خیلی چسبید. مبارک همه پرسپولیسی ها باشد. **با این حال شرایط این روزهای تیم خیلی خوب نیست. اخبار را دنبال می کنی؟**

بله واقعاً به هم ریختگی عجیبی در تیم حاکم شده. این دو تیم دولتی هستند و نباید درگیر چنین مشکلاتی باشند. چند بازیکن مؤثر و مهم از تیم جدا شدند و واقعاً کار برای یحیی گل محمدی سخت شده.

و پیش بینی ات از فینال آسیا آن هم با این شرایط؟

فینال که اگر اشتباه نکنم یک تک مسابقه است و هر اتفاقی می تواند در آن بیفتد. قطعاً تا آن موقع شرایط تیم هم قدری بهتر می شود و تنها لازم است شب خوبی داشته باشیم تا با شکست نماینده شرق آسیا قهرمان شویم و دل میلیون ها هوادار شاد شود.

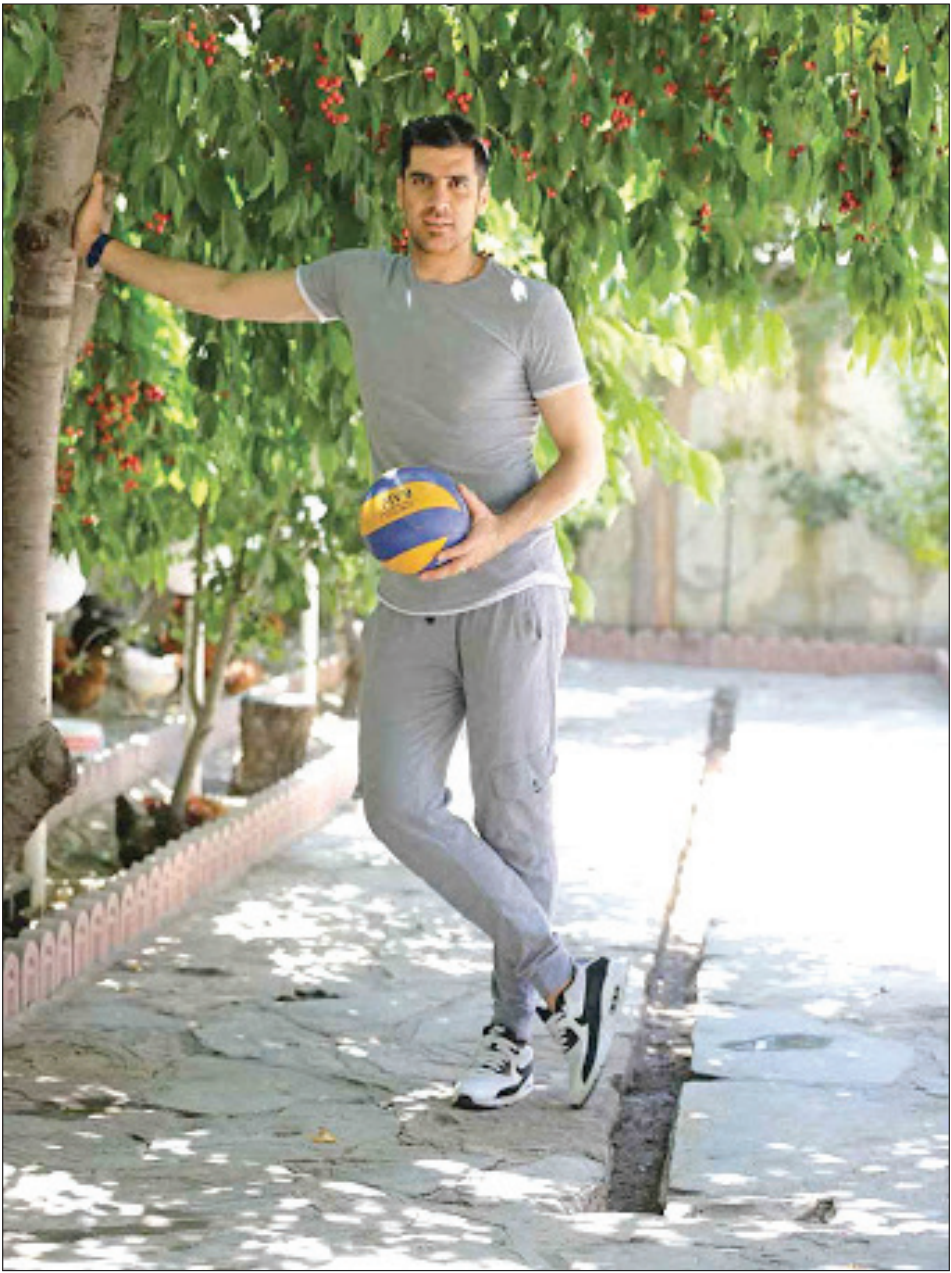
جالب است که اینطور خودت را با تیم یکی می دانی ... بالاخره این عشق و علاقه ای است که به پرسپولیس دارم و امیدوارم امسال هم مانند سال های گذشته، اتفاق های خوبی چه در آسیا و چه در لیگ برتر برای تیم ما بیفتد.

همان طور که گفتم چند وقتی است که بدنسازی می کنم و مدت کمی هم هست که می توانم بپریم اما نه ۱۰۰ درصد. فعلاً ۵۰،۴۰ درصد می پریم و رفته رفته بیشترش خواهم کرد.

اغلب پیشنهاد می کردند که هرچقدر می شود مراعات کنم و سمت عمل نروم.

اما در نهایت این کار را کردی!

این بار بحث سلامتی بود. تصمیمی بود که گرفتم و



آلکنو؛ مربی بزرگ با رزومه پر باری است شهرام محمودی: اصلاً به والیبال فکر نمی کنم!

خواستم تا بالاخره درمانش کنم.

اینطور به نظر می رسد که سواي دشواری های فیزیکی و دردها، از لحاظ روحی هم بار بزرگی از روی دوش برداشته شده؟

واقعاً همینطور است. خیلی دشوار است این همه سال چنین مشکلی را همواره با خودت داشته باشی و مجبور باشی تحملش کنی. خیلی آزاردهنده بود؛ خیلی از کارها و حرکات را به خاطر این مشکل نمی توانستم انجام دهم و مجبور بودم کارهای دیگری را بیشتر انجام دهم تا این نقص جبران شود.

حالا که پنج ماه گذشته شرایط چطور است؟

وقتی صحبت از تیم ملی والیبال و نتایج درخشانش در سال های ابتدایی دهه ۹۰ به میان می آید، نمی شود از روی برخی نام ها به سادگی گذشت. نام هایی که یکی از ارکان اصلی تیمی بودند که به معنای واقعی کلمه تیم ایران را جهانی کردند و به یک باره والیبال را در زمره محبوب ترین رشته ها قرار دادند.

یکی از آن نام های مهم و البته محبوب شهرام محمودی است. پشت خط زن سی و یک ساله والیبال ایران که اگرچه در ابتدای کارش تنها عنوان برادری بهنام محمودی را یکد می کشید اما رفته رفته آنقدر بزرگ و محبوب شد که شاید از برخی لحاظ برادر بزرگش را هم پشت سر گذاشت.

نقطه پرش محمودی حضور موفق در کاله و در روزهای خوب این تیم به همراه بهروز عطایی بود که در نهایت هم به دعوت به تیم ملی منجر شد. دعوتی که در سال ۲۰۱۳ انجام و باعث حضور ۴ ساله و متممادی این بازیکن در بهترین سال های تیم ملی والیبال شد.

پس از المپیک ۲۰۱۶ اما اتفاق عجیبی افتاد. شهرام محمودی به یک باره اعلام کرد که فعلاً قصد بازی در تیم ملی را ندارد و می خواهد به مصدومیت کهنه و خانواده اش رسیدگی کند. موضوعی که دقیقاً حلقه واصل تمام گذشته شهرام محمودی با گپ و گفت اخیرمان است.

شهرام محمودی پس از المپیک ریو از تیم ملی کنار رفت و سه سال تمام رقابت های ملی را از خانه تماشا کرد. تا اینکه سال گذشته و قبل از رقابت های انتخابی المپیک، با توجه به مصدومیت امیر غفور به نوعی مجبور شد دعوت کولاکوویچ را قبول کند و یک بار دیگر در صعود ایران به المپیک نقش مهمی را ایفا کند.

پس از آن ماجرا خیلی ها به او خرده گرفتند که چرا در تیم ملی نبود و چرا برگشت. سؤال هایی که شاید بازیکن با اخلاق والیبال ایران هیچ گاه نخواست خیلی واضح و روشن درباره شان صحبت کند اما خبری که خرداد امسال منتشر شد، همه را شگفت زده کرد.

چهارم خرداد امسال خبر آمد که شهرام محمودی کمرش را به تیغ جراحان سپرده و پس از سال ها دست و پنجه نرم کردن با این درد کهنه، تصمیم سخت عمل را گرفت و خواست تا برای همیشه با این مشکل بزرگ خداحافظی کند.

حالا بیش از پنج ماه از آن جراحی گذشته. دقایقی قبل از گفت و گویمان شهرام محمودی تمرین نسبتاً سختی را پشت سر گذاشته و همین اتفاق نشان می دهد که فعلاً همه چیز خوب پیش رفته و اوضاع مهره های کمر و سلامتی اش مساعد است. پس با او همراه شدیم تا ببینیم در این ماه ها چه بر او گذشته و در چه شرایطی با این درد کهنه خداحافظی می کند.

چهارم خرداد امسال بود که عمل کردی و حالا اواسط آبان است. از آن مهره های دردسرساز چه خبر؟ خدا را شکر. واقعاً خیلی بهترم و وضعیت کمرم خوب است.

مشغول تمرین بودی و این یعنی شرایط بر وفق مراد است؟

بله خب چند وقتی می شود که بدنسازی را آغاز کردم و در تلاشم تا سلامتی کاملم را بازیابی کنم.

بعد از عمل کمر بند آهنی بسته بودی تا مهره های ت را ثابت نگه دارد. چند وقت می همانت بود؟

چیزی حدود دو ماه باید از آن وسیله استفاده می کردم تا کمرم و مهره های مورد نظر ثابت بمانند. واقعاً استفاده مداوم از آن سخت بود اما خدا را شکر سه ماهی می شود که بازشان کردم و دیگر نیازی به بستن شان نیست.

پنج ماهی که مجبور بودی استراحت کنی، مصادف شد با شیوع این ویروس عجیب و غریب و خانه نشینی اجباری. این اتفاق خانه ماندن را قدری از لحاظ روحی برایت ساده تر نکرد؟

به نوعی شاید همینطور باشد که می گوئید. من مجبور بودم به خاطر وضعیت کمرم خانه بمانم و استراحت کنم و در عین حال شرایط جامعه و شیوع این ویروس هم همینطور اقتضا می کرد.

یک مقدار درباره این درد کهنه صحبت کنیم که سال ها آزارت داد ... چند ساله بود دقیقاً؟

به نظرم چیزی حدود ۱۰ سال! اوایل سال ۹۰ بود که ایجاد شد. البته در ابتدا آنقدرها آزاردهنده نبود و با حرکت درمانی و کارهای مختلف اجازه می داد بازی کنم اما رفته رفته شدید و شدیدتر شد و در این سال های آخر واقعاً آزاردهنده شده بود.

همین مشکل هم باعث شد از تیم ملی کنار بروی؟

بله خب اردوهای طولانی و مسابقات متعدد ملی در کنار لیگ فشار غیر قابل تصویری روی کمرم می آورد و سال ها به عشق مردم و خوشحال کردنشان تحمل می کردم اما دیگر کار به جایی رسید که پای سلامتی ام در میان بود و باید بین آن و بازی در تیم ملی یکی را انتخاب می کردم.

آن تصمیم نشان می دهد که هیچ قصدی برای عمل نداشتی. درست است؟

بله خب عمل حساس و پریسیکی است و پزشکان هم



از شر درده سه ساله خلاص شدم

شش ماه خانه نشین بودم اما نه به

خاطر کرونا!

بازی در انتخابی المپیک ریسک

بزرگی بود

فینال آسیا مبارک همه پرسپولیسی ها

در تک مسابقه فینال می توانیم

قهرمان شویم